

سرمقاله

تشديد حملات های طالبان، چرا؟

محمد رضا هویدا

بهار امسال، همانند سالهای گذشته با اعلام حملات و عملیات های بهاری طالبان همراه شده است. آمار تلفات انسانی به خصوص، تلفات غیرنظامیان به شدت بالا رفته است.

طالبان در یکی دو ماه اخیر مراکز متعدد غیر نظامی را هدف قرار داده اند، دست به گروگان گیری زده اند و با رفتارهای خشن در شماری از ولایات همانند بدخشان، سعی در تاثیر گذاری بر افکار عامه داشته اند.

عملیات های طالبان هر چند در ماهیت تفاوتی با گذشته نداشته اند، اما خشونت نهفته در عملیات های جدید به نحوی سراسیمگی طالبان را نیز نشان می دهد. عملیات های طالبان نشان می دهد که طالبان می خواهند با وارد آوردن فشار بیشتر بر دولت افغانستان، چند مسئله را نشان دهند:

اول اینکه طالبان قصد دارند تا در افکار عمومی در سطح جهان خود را به عنوان نیروی برتر در جنگ افغانستان تثبیت کنند. طالبان با آنکه توانسته اند موفقیت های زیادی در جنگ علیه دولت افغانستان و نیروهای ناتو بدست آورند و از یک نیروی فراری به نیرویی تهاجمی تبدیل شوند و بتوانند برای بیش از یک دهه در بچنگند، اما برای رسیدن به هدف شان که سقوط دولت افغانستان و به دست گرفتن قدرت است، هنوز بسیار دور هستند.

در عین حال طالبان از گستردن گروه دولت اسلامی موسوم به داعش نیز شديدا نگران هستند. خبرها و گزارش هایی وجود داشته است که این دو گروه در مواردی با یکدیگر درگیر شده اند. هر چند داعش نفوذ قابل ملاحظه ای در افغانستان نداشته است، اما گزارش ها و تحلیل ها حکایت از گستردن داعش در آبنده ای نزدیک دارند. طالبان برای اینکه بخواهند حضور خود را در افغانستان تثبیت کنند، احتمالا حملات خود را شدت خواهند بخشید.

دوم، دولت افغانستان بسیار تلاش کرده است تا بتواند مذاکرات صلح را آغاز کند. دولت افغانستان برای این کار از کشورهای مختلفی درخواست اعمال فشار بر طالبان را داشته است. به طور معمول در آغاز مذاکرات گروه های درگیر سعی می کنند تا با راه اندازی عملیات های گوناگون بر طرف مقابل فشار بیشتری را وارد کنند. طالبان با راه اندازی عملیات های بهاری خود و وارد کردن فشار بیشتر از طریق اعمال خشونت بیشتر، تلاش دارد تا دولت افغانستان را در وضعیت نامناسبی قرار بدهد.

سوم، دولت افغانستان در یکی - دو سال اخیر سخت درگیر در امور داخلی خود بوده است. اختلافات سیاسی میان دولتمردان و دولت افغانستان در تکمیل نشدن کابینه دولت، به صورت واضح تجلی و نمود یافته است، بر بسیاری از عرصه های حیاتی و اساسی تأثیرات منفی زیادی گذاشته است.

اوضاع ناپسایمان سیاسی در کشور بر امنیت و اقتصاد، تأثیرات شدید و جدی گذاشته است که یکی از این تأثیرات، روحیه گرفتن طالبان و دیگر گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان برای تشدید حملات شان می باشد.

اما در این میان نقش دولت افغانستان در مهار بحران ناامنی در کشور حیاتی است . دولت افغانستان در اولین قدم باید به حل اختلافات سیاسی میان خود بپردازد.

حل اختلافات سیاسی میان دولتمردان، باعث می شود تا حد اقل طالبان نتوانند از این ضعف یک حربه تبلیغاتی علیه دولت بسازند. وجود اختلافات میان گروه های مخالف دولت افغانستان می تواند برای دولت افغانستان این فرصت را به وجود آورد که بتواند ضربات بیشتری را بر آنها وارد سازد.

دولت افغانستان باید موضوع صلح را به صورت واضح با مردم افغانستان در میان بگذارد. موضوع صلح برای بیش از ده سال بخش اعظمی از توان و نیروی دولت افغانستان را به خود مصروف ساخته است و در نهایت چیزی جز بی اعتمادی مردم به پروسه صلح نداشته است.

دولت افغانستان استراتژی مبارزه با طالبان را نتوانسته، ترتیب کند. دولت افغانستان باید به صورت اساسی به فکر حل موضوع امنیت در کشور باشد. حل موقتی موضوع امنیت و برخورد های غیر اصولی راه به جایی نخواهد برد.

عواملی که از خوشبینی های صلح می کاهند

رضا رها

در تعیین سرنوشت شان می باشد. بنابر این جایگاه و نقش مردم را در روند صلح چگونه باید ارزیابی کرد؟ چه میکانیزمی وجود دارد که مردم در این باره نظر و دیدگاههای خود را بیان داشته و آن را تجسم یافته ببینند؟



بنابراین وجه المصلحه قرار گرفته شدن ارزشهای دموکراتیک و دست آوردهای یک و نیم دهه گذشته و حقوق اساسی مردم در روندی آنچه بنام مصلحه و مذاکره یاد می شود یکی از نگرانی های جدی بشمار می رود. آنچه ذکر گردید بخشی از دشواری های اساسی در جهت دست یابی به صلح می باشد. تا زمانیکه میکانیزم سالم و شفاف که با خواست و اراده مردم مطابقت نداشته باشد و مصنوعیت لازم را از حقوق اساسی مردم در نظر نداشته باشد، راه رسیدن به صلح هم چنان دشوار و حتا دست نیافتنی به نظر می رسد.

حضور داعش و پیوستن نیروهای حزب اسلامی و طالبان به این گروه عنصر دیگری است که از خوشبینی های مذاکرات صلح تا حدی زیادی می کاهد. سوال این است که آیا با فرض پیشرفت مذاکرات صلح با طالبان و حزب اسلامی، گروه داعش مأموریت جنگی آنها را در افغانستان به عهده خواهد گرفت؟

نیازمند به تجدید قوا و اتخاذ روشهای تازه تر و غافلگیر ساختن رقیب دارند؛ در پیش گرفتن چنین روشی ایجاد می نماید که به حيله های گوناگونی توسل جسته شود. طرح شعار صلح و مسئله مذاکره و گفتگو یکی از آن شکردهای خطرناک و فریبنده در این زمینه می باشد. متأسفانه جنگ ها و وقایع تاریخ شواهدی بسیاری را در این زمینه به جا میماند. از جمله تاریخ سیاسی و اجتماعی کشور ما متأسفانه از سبکار بردن چنین حيله هایی مشحون می باشد. غدر و بزرگ بخش عمده سیاست ها و سستیزی گویای این داخلی کشور را بخود اختصاص داده است.

همانطور که در آغاز گفته شد، ضرورت گفتگو و دست یابی به صلح تردید ناپذیر است. جامعه ما پس از سالها جنگ و بحران، اینک در مسیر صلح و سازندگی قرار گرفته است زمانی به اهداف سازنده خود دست خواهد یافت که آتش جنگ و بحران خاموش گردیده و ثبات و صلح استقرار

یابد. ضرورت چنین موضوعی را میتوان از لایزال اظهارات مردم و چهره های سیاسی بخوبی و وضاحت دریافت که در بسیاری از رسانه های هگانی کشور بطور وسیع تشریف یافته است و ضرورت به تکرار آن در این نوشتار نیست. هم چنین منابع و سازمان های بین المللی که خود را مسئول و متعهد به مبارزه با تروریزم و استقرار ثبات در منطقه و کشور می دانند بر این مسئله تاکید ویژه دارند.

چنانچه نماینده جدید ملل متحد برای کشور گرفته است که موضوع صلح و مذاکره با مخالفین دولت افغانستان، از مأموریت های اصلی وی می باشد و سازمان ملل متحد از روند صلح به رهبری افغانها، حمایت می کند.

این در حالی است که طالبان تا هنوز بر شروط خود برای آغاز مذاکره پس نگرفته و شروط طرف های مقابل را نیز نپذیرفته است. گفته می شود که مذاکرات صلح در حالی انجام می شود که دولت افغانستان از جزئیات و حضور آن مذاکرات دور نگه داشته شده است.

با وجود چنین مسایلی که پیرامون صلح جریان دارد، اینگونه به نظر می رسد که راه صلح بسیار سخت و دشوار می باشد. دشواری دست یابی به صلح هنگامی چند برابر می شود که میکانیزم های دست یابی به آن بسیار آشفته و نامنسجم می باشد. قبل از همه عدم آمادگی طرفین برای مذاکره می باشد.

این عدم آمادگی را می توان در اعلام مواضع آنان جستجو کرد. بطور مثال طالبان تاکنون بطور رسمی برای آغاز مذاکره و پذیرفتن صلح اعلام آمادگی ننموده اند. آنان هم چنان بر مواضع و خواسته های خود یعنی پرسمیت نشناختن حکومت مستقر در کابل، نپذیرفتن قانون اساسی کشور و خروج بدون قید و شرط نیروهای خارجی از کشور، بصورت انعطاف ناپذیر اصرار دارند. در طرف مقابل نیز حکومت جامعه بین المللی بر دست آوردهای یک و نیم دهه گذشته تاکید ورزید و و اعلام داشته اند که گفتگو و مذاکره با طالبان زمانی امکان پذیر خواهد بود که روند جاری را قبول نمایند.

فرهنگ ابزار یا غایت توسعه؟

کاوه احمدی

فرهنگی نگاه عملیاتی به فرهنگ امکان آن را فراهم می ساخت که به جای شعارهای فیلسوفانه و روشنفکرانه در راه عملی تغییر و توسعه فرهنگی و بهبود وضع همچون حفظ انسجام اجتماعی در های مصرفی و مادی آن به جای ابعاد

افزون بر این فرهنگ الهام بخش هدفهایی است که به زندگی مان معنا می بخشد [vi] این ماهیت دوگانه فرهنگ نه تنها موجب رشد اقتصادی می شود بلکه به هدفهای دیگری همچون حفظ انسجام اجتماعی در مین تکرر فرهنگی و ارتقای ارزشهای



اصیل معنوی اش بنشیند ولی دیدگاهی که فرهنگ را غایت توسعه و ارزشهای بالای انسانی می دانست، علاوه بر آن که جایگاهی شایسته به فرهنگ می بخشید، به تنهایی آنقدر آرمانی بود که نه تنها عملا تغییریری را در برنامه های توسعه پدید نمی آورد، بلکه موجب می شد که برنامه های غیر عملی افکار عمومی را به شکل افراطی نسبت به دیدگاه غایت فرهنگی بدبین را فراهم آورد.

انسانی و معنوی بدون قربانی کردن بخشی از ارزشها و ظرفیتهای انسانی و تقویت نهادهای جامعه مدنی یاری می رساند.

فرهنگ در بسیاری از موارد راه رسیدن به اهداف دیگر توسعه است. حتی مهمتر از آن بنیاد هویتی و معنایی تمامی آرژوها و اهداف زندگی انسان نیز هست [viii] زیرا فرهنگ تعیین می کند اعضای آن فرهنگ رابطه شان را با محیط ماوراء طبیعه و مردم درون و بیرون فرهنگشان چگونه اطلاعات دریافتی از محیط روش تفسیر و روش مورد استفاده آن را درک کرده و به کار بریم [viii] فرهنگ مشخص می سازد ما چگونه اطلاعات دریافتی از محیط روش تفسیر و روش مورد استفاده آن را درک کرده و به کار بریم [ix] به مهارت دقیق تر فرهنگ واقعیات را برابمان خلق می کند!

محدوددیتهای نگرشهای توسعه ختم نمی شود.

توسعه برای فرهنگ برخی از کاستیها و ناکامیها در برنامه های توسعه در جوامع در حال توسعه [i] موجب شکل گیری نگرشی نزد برنامه ریزان و سیاستگذاران شد که علاوه بر عوامل و متغیرهای اقتصادی، شرایط و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را نیز در شمار عوامل مؤثر در توسعه قرار دهند.

از این رو علاوه بر تعاریف جدیدی از توسعه (جایگزینی توسعه به جای رشد) بر اساس الگوی کلان توسعه در کشورهای جهان سوم، عوامل و متغیرهای اجتماعی- فرهنگی این جوامع نیز در الگوی کلان و برنامه های توسعه لحاظ گردید و توسعه در این جوامع در خدمت

نیازها، هلاق، شرایط، امکانات و اهداف موجود در کشورهای در حال توسعه، تبدیل یافت. این گامی مهم در تشخیص جایگاه اجتماعی و فرهنگی در توسعه جوامع بود، ولی هرگز در همان سطح باقی نماند.

برنامه ریزانی که نگاهی کلان تر از تفکر عملیاتی و اجرایی داشتند متوجه شدند که فرهنگ از ماهیتی پیش از یک نقش مکمل در توسعه برخوردار است.

آنها دریافتند که «مطالعه توسعه بدون توجه به بافت انسانی و فرهنگی چیزی جز یک رشد بدون روح نیست حال آن که توسعه اقتصادی کاملا شکوفا و متعادل بخشی از فرهنگ یک ملت است.»

[ii] آنان اذعان داشتند که به فرهنگ نباید به عنوان ابزاری صرف در راه تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی نگریست، بلکه باید آن را هدف غایی توسعه شمرد [iii] مسأله اصلی ای که توسط این نظریه پردازان مطرح شد آن بود که آیا باید به فرهنگ برای توسعه اندیشید یا توسعه برای فرهنگ؟ [iv]

فرهنگ . ابزار و غایت توسعه نظریه پردازان و برنامه ریزان توسعه در سطح جهان به این نتیجه رسیدند که شاخصهای مادی پیشرفت به هیچ روی امکان ارزیابی درجه آسایش و شکوفایی انسانها را نمی دهد و باید علاوه بر آنها معیارهای دیگری ابداع کرد، معیارهایی همچون مفهوم توسعه انسانی که ملاحظه های دیگری را به مانند ارزشهای والای انسانی و اهدافی که در جوشی اجتماعی و فرهنگی به زندگی انسانها معنا بخشد، پیش می کشد. [v]

پرداختن به این موضوع نیاز به نگاهی ژرف تر و تأملی افزون تر دارد. اگر بپذیریم که انسانها از آن روی برای کالاها و خدمات (حتی نوع اجتماعی و فرهنگی آن) ارزش قائل هستند که کالاها و خدمات به آنان امکان می دهد تا آن طور که می خواهند زندگی کنند، این امر به ناگزیر به فرهنگ و اوضاع اجتماعی شان برمی گردد به بیان دیگر ما با چنین روندی به نقش کارکردی فرهنگ پی می بریم .

بنابر این گرچه فرهنگ کارکردی ابزاری در توسعه دارد اما کار کردنش به همین جا ختم نمی شود.



کارتون روز

بدون شرح

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاوتوریست: خالق علی زاده
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

- روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com